

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال نهم، شماره بیست و پنجم، بهار ۱۴۰۵ (صص ۱۲۲-۱۴۷)

مقاله پژوهشی

Doi: [10.22034/jmzf.2026.582235.1270](https://doi.org/10.22034/jmzf.2026.582235.1270)

نبوت و ولایت پیامبر اسلام(ص) در روح‌الارواح احمد سمعانی

مسروره مختاری^۱، علی شعبانی^۲

چکیده

ستایش پیامبر اسلام(ص) در ادبیات فارسی و در بیشتر آثار شاعران و ادیبان و عارفان، جلوه خاصی داشته است. استمرار ستایش پیامبر(ص) به معنای حضور معنوی در زندگی هر انسان و جاودانه بودن رسالت ایشان است. افزون بر این، شخصیت پیامبر(ص) بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری و تداوم عرفان اسلامی و اصول آن داشته است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نبوت پیامبر اسلام(ص) و ولایت و سیادت آن حضرت بر انبیای پیشین را در کتاب «روح‌الارواح فی شرح اسماء ملک‌الفتاح» اثر احمد سمعانی مطالعه کرده است. سمعانی در این اثر با زبان تمثیل و با حلاوت خاص، انبیای الهی را از نظر چگونگی خلقت، مقام و مرتبه وجودی، شهودی، اعجاز و ابتلا باهم مقایسه کرده و با ارائه دلایل عقلی و نقلی، ولایت و سیادت حضرت محمد(ص) بر انبیای پیشین را به اثبات رسانده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سمعانی به دلیل مذهب و مشرب فکری و ارادت خاص به پیامبر اسلام(ص)، در کتاب روح‌الارواح، از آن حضرت با بسامد بالا یاد کرده است و با ارائه دلایل و شواهد متعدد از آیات قرآن کریم و منابع دینی و عرفانی، آن حضرت را از نظر مقام و مرتبه وجودی، چگونگی خلقت، از نظر مقام و مرتبه عرشی، خاتمیت نبوت و رسالت، مقام اعجاز و ابتلا، از نظر مقام کشف و شهود و غیره، سرور انبیای پیشین دانسته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عرفانی، نبوت، حضرت محمد(ص)، روح‌الارواح، احمد سمعانی.

^۱ . استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول).

mmokhtari@uma.ac.ir

^۲ . دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

alishabani2277@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰

۱. مقدمه

پیامبر اسلام(ص) و نبوت و رسالت آن حضرت در متون دینی و عرفانی، بازتاب گسترده‌ای دارد و همواره از وجود مقدس پیامبر(ص) به عنوان خاتم الانبیا، انسان کامل و بهانه خلقت یاد شده است. روح‌الارواح یکی از آثار ارزشمند عرفانی است که احمد سمعانی عارف و عالم قرن پنجم هجری آن را در شرح اسمای خداوند تألیف کرده است. مطالعه در این اثر نشان می‌دهد که نویسنده در کنار شرح و تفسیر اسمای خداوند، به مقام و مرتبه وجودی، شهودی و مقام ولایت و نبوت پیامبر اسلام(ص) توجه ویژه داشته است. وی براساس مشرب فکری خود در شرح اسماء و صفات الهی اولین و مهم‌ترین جلوه اسماء الهی را در شخصیت پیامبر(ص) جست‌وجو کرده است. سمعانی با نگرش و اعتقادی که به پیامبر(ص) داشته، سعی کرده است در نگارش کتاب روح‌الارواح و شرح اسماء الهی، سیمای معنوی، عرفانی و مرتبه وجودی پیامبر اسلام(ص) را در مقایسه با انبیای دیگر تبیین و تشریح نماید و اغلب سخنان خود را با بهره‌گیری از منابع دینی و احادیث و روایات عقلی و نقلی مزین کند.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

یکی از شخصیت‌های عرفانی که به مقام و مرتبه وجودی و صفات پیامبر اسلام(ص) توجه ویژه‌ای داشته است، احمد سمعانی است. شهاب‌الدین ابوالقاسم احمد بن منصور سمعانی (زاده ۴۸۷ هجری) یکی از سخنوران و عالمان خاندان سمعانی است که در تفسیر قرآن تسلط کامل داشت و در علم حدیث، کلام و فقه آثار ارزشمندی بر جای گذاشته است. تصوف و گرایش‌های عرفانی در روزگار احمد سمعانی جاذبه فراوان داشت (ر.ک: سمعانی، ۱۳۹۱: ۳۰-۴۳). کتاب روح‌الارواح فی شرح اسماء ملک‌الفتاح اثر ارزشمند احمد سمعانی کتابی در شرح و تفسیر اسماء الحسنی با رویکردی عرفانی است که به شیوه واعظان و مدبران نگارش یافته و شامل حکایات و قصص پیامبران،

احادیث نبوی و سخنان و حکایاتی از بزرگان دین همچون صحابه و عارفان و صوفیه همراه با اشعار عربی و فارسی است. نویسنده در این کتاب، پس از خطبه‌ای کوتاه صد و ده اسم حق تعالی را در هفتاد و چهار عنوان شرح کرده است. نکته مهمی که در کتاب روح‌الارواح توجه ما را به خود جلب می‌کند، این است که نویسنده ضمن بیان اسماء و صفات خداوند از خاتم نبوت و رسالت (حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم) بیش از ۱۳۰ بار یاد کرده است. با توجه به جایگاه پیامبر اکرم(ص) در عرفان اسلامی و متون ادبی و دینی، در پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی- توصیفی و استفاده از منابع معتبر دینی و عرفانی، بازتاب نبوت و رسالت پیامبر اسلام و دلائل ولایت آن حضرت بر انبیای پیشین را در این اثر ارزشمند مطالعه کرده‌ایم تا به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

۱- ولایت و سیادت پیامبر اسلام(ص) بر انبیای پیشین در روح‌الارواح چگونه تبیین شده است؟

۲- سمعانی برای اثبات ولایت پیامبر اسلام(ص) بر دیگر رسولان الهی، چه دلایل و احتجاجاتی را بیان کرده است؟

۳- در روح‌الارواح احمد سمعانی، مقام و مرتبه وجودی، شهودی، عرشی، معنوی و دینی پیامبر اسلام(ص) در مقایسه با انبیای پیشین چگونه بیان شده است؟

۱-۲. هدف و ضرورت تحقیق

روح‌الارواح احمد سمعانی یکی از آثار ارزشمند عرفانی است که مؤلف براساس مذهب و سلوک عرفانی خود سیمای پیامبر اسلام(ص) را با استناد به روایات دینی مختلف با تبخّر و زیبایی تبیین کرده است. این اثر در کنار شرح اسمای خداوند، به تبیین جایگاه عرشی، وجودی، شهودی و نبوت و ولایت پیامبر اسلام(ص) اختصاص یافته است. از آنجاکه مذهب و مشرب فکری مؤلف در ساختار و محتوای اثر، تأثیر

چشمگیری دارد و اعتقادات و علائق دینی مؤلف در چگونگی ترسیم سیمای معنوی و عبادی پیامبر اسلام(ص) تأثیر بسزایی بر جای نهاده است، در پژوهش حاضر فرضیه‌هایی مفروض است. با توجه به محبت و ارادت خاص نویسنده به پیامبر اسلام(ص) به نظر می‌رسد که نویسنده با استفاده از منابع عقلی و نقلی جایگاه خاصی برای پیامبر اسلام(ص) ترسیم کرده است. پیش‌بینی می‌شود با مطالعه در این اثر دلایل و احتجاجات متعددی برای اثبات ولایت و سیادت پیامبر اسلام(ص) بتوانیم یافت.

۳-۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی دربارهٔ احمد سمعانی و کتاب روح‌الارواح انجام شده است که اغلب درباره اسماء‌الله هستند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- پایان‌نامه دکتری تخصصی با عنوان «سیر تحول کاربرد اسماء‌الله در متون منشور عرفانی تا پایان قرن هفتم با محوریت روح‌الارواح سمعانی» در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۹۸ ثبت شده است. کتایون کتیه به راهنمایی ناصر نیکویخت در این رساله، دشواری‌های ۱۴ نام از اسماء حسنی از «هو» تا «البارئ» را تشریح کرده‌اند.

- پایان‌نامه‌ای با عنوان «شرح و تحلیل هفت نام از اسماء الهی در روح‌الارواح احمد سمعانی» در مؤسسه آموزش عالی حافظ در سال ۱۳۹۸ دفاع شده است. زهرا بابایی به راهنمایی الهام خلیلی جهرمی به شرح دشواری‌های ۱۴ نام از اسماء حسنی از «هو» تا «البارئ» پرداخته‌اند.

- پایان‌نامه‌ای با عنوان «برداشت‌های ادبی و عرفانی از اسماء و صفات الهی بر اساس کتاب روح‌الارواح سمعانی» در دانشگاه ارومیه در سال ۱۳۹۴ دفاع شده است. حسن خورشید به راهنمایی بهمن نزهت در این پایان‌نامه دشواری‌های ۱۴ نام از اسماء حسنی از «هو» تا «البارئ» را شرح کرده‌اند.

- پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و تطبیق اسماء الهی در روح‌الارواح سمعانی با

حدیقه سنایی و مثنوی مولوی» در دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۵ دفاع شده است. رخساره تاجیک به راهنمایی حمیرا زمردی در این پایان‌نامه دشواری‌های ۱۴ نام از اسماء حسنی از «هو» تا «البارئ» را شرح کرده‌اند.

- مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشانه‌شناختی رابطه انسان و خدا در روح‌الارواح سمعانی» در مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی در سال ۱۳۹۹ چاپ شده است. نویسندگان مقاله حامد شمس و محمود براتی خوانساری، براساس روش تحلیلی-توصیفی نشانه‌شناسی ساختارگرا، به بررسی رابطه انسان و خدا در متن روح‌الارواح سمعانی پرداخته‌اند.

- مقاله‌ای با عنوان «برداشت‌های ادبی و عرفانی از اسماء و صفات الهی براساس روح‌الارواح سمعانی» در سومین همایش متن‌پژوهی ادبی در سال ۱۳۹۶ ارائه شده است. نویسندگان مقاله حسن خورشید و افشین اصدق هستند. محور اصلی این پژوهش پس از معرفی کوتاه کتاب و نویسنده، بیان جنبه‌های ادبی و عرفانی روح‌الارواح می‌باشد که شامل تشبیهات برای اسماء الهی، استعارات، کنایات، سجع‌پردازی‌ها، استناد به اشعار فارسی و عربی، تلمیحات قرآنی و احادیث و داستان‌ها است.

جستجو و مطالعه در پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که درباره سیمای پیامبر (ص) در روح‌الارواح احمد سمعانی، تاکنون هیچ پژوهشی در قالب کتاب یا پایان‌نامه یا مقاله صورت نگرفته است.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

«عرفان پدیده‌ای عمومی و جهان شمول است و از سویی دیگر عرفان چیزی نیست جز نگاه جمال‌شناسانه و هنری به الاهیات» (مام‌علی‌پور، مدرسی، ۱۴۰۲: ۱۵۲)، عرفان اسلامی هم با بیشترین بهره‌مندی از شخصیت و آموزه‌های پیامبر(ص) شکل گرفته است، به‌طوری که در کتاب انسان کامل اشاره شده است: «بدان که اولین چیزی که

خداوند سبحان آفرید روح محمد(ص) بود و همه چیزها را از روح محمد(ص) خلق کرد. این همان معنی است. «أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ رُوحِي ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْخَلَائِقِ مِنْ رُوحِي» و ارواح تمام انسان‌ها را از روح محمد(ص) آفرید و ارواح انسان‌ها قبل از جسم‌ها به مدت چهار هزار سال در نزد خداوند متعال قرار داشت. این همان معنی است «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِأَرْبَعَةِ الْأَلْفِ سَنَةً» (نسفی، ۱۳۹۱: ۴۸).

یکی از منابع معتبر عرفانی، روح‌الارواح احمد سمعانی است، در ادامه بحث با استناد به شواهد مثال از اثر یاد شده، به ادله‌هایی که سمعانی در اثبات ولایت پیامبر اسلام(ص) بر انبیای پیشین آورده است، پرداخته‌ایم.

۱-۲. ولایت پیامبر (ص) بر کل عالم خلقت

از نظر مراتب و درجات وجود عرفانی، وجود گرامی پیامبر(ص) به عنوان انسان کامل، تجلی‌گر اسماء و صفات الهی و در درجه دوم خلقت پس از خداوند تعالی تکریم شده است. همان‌طور که خداوند در حدیث قدسی فرموده است: «يَا أَحْمَدُ، لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ» ای احمد اگر تو نبود، جهان را نمی‌آفریدم (میرجهانی، ۱۳۹۲: ۱۴۹). به منزلت وجودی پیامبر اشاره می‌کند که اگر وجود مقدس تو نبود جهان را نمی‌آفریدم و تمام خلقت بهانه آفرینش و محبت تو است. با تأمل در این حدیث قدسی به وضوح می‌توان ارزش جایگاه پیامبر(ص) در مراتب هستی و مقام وجودی ایشان نزد خداوند را فهمید. به عبارت دیگر حضرت محمد(ص) عامل فیض بخشی به مراتب پایین‌تر وجود است و مهم‌ترین واسطه فیض اقدس و ذات لایزال الهی است. وجود گرامی پیامبر(ص) در ابتدای خلقت بیانگر تقدم روح ایشان بر همه مخلوقات خداوند است. مستملی بخاری در این باره می‌گوید: «مقدم‌ترین ارواح، روح محمد مصطفی صلی‌الله علیه و سلم بود» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۲/۸۴۲).

سمعانی در بخش‌هایی از کتاب روح‌الارواح، ضمن تشریح اسماء الهی، به جایگاه وجودی پیامبر(ص) و اهمیت نقش ایشان در ابتدای خلقت عالم پرداخته است. وی جایگاه پیامبر اسلام(ص) در عالم هستی را به‌مثابهٔ سلطانی می‌داند که همه جهان قلمرو اوست و پیامبر(ص) در مراتب وجود مانند پرگار جهان و پایهٔ ثابت آن است که هرچه ثابت و محکم باشد، سبب کارکرد درست آن می‌شود. بنابراین وجود گرمی پیامبر(ص) نقطه مرکز هستی و بنیان تمام عالم امکان است:

«سلطان را تختی ببايد و تخت را مکانی و مهوایی ببايد، و مهوا و مکان را صحنی ببايد، عالمی بدین واسعی صحنِ سریرِ محمد رسول‌الله است، مرکز دایره پرگارِ آن مهتر بود» (سمعانی، ۱۳۹۱: ۵۴۲).

موضوع آفرینش پیامبر(ص) یکی از مباحث مهم و مورد بحث در ادبیات عرفانی است. آفرینش حضرت محمد(ص) در عالم ملکوت و قبل از آفرینش حضرت آدم(ع) بوده است و این اصل که در میان عارفان به آن «حقیقت محمدی» گفته می‌شود، از مهم‌ترین مباحث عرفانی است. «منظور از حقیقت محمدیه در اصطلاح عرفا و متصوفه، ذات احدیت به اعتبار تعین اول و مظهر جامع اسم الله است. یعنی همان‌طور که الله در حقیقت و مرتبت مقدسه بر جمیع اسماء ظهور و تجلی پیدا کرده است. انسان کامل که مظهر اسم کلی الله است باید در ذات و مرتبه وجودی بر همه موجودات و مظاهر مقدم باشد (سجادی، ۱۳۸۳: ۳۲۵). عرفا بر این باورند، همان‌طور که رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله در قوس نزول، سرسلسله انسان‌های کامل است؛ چون «اول ما خلق الله» است، در قوس صعود نیز اوج و قلّه غایی رسالت است؛ چون خاتم انبیا است (قیصری، ۱۳۷۵: ۹۵).

سمعانی می‌گوید: تمام ذرات عالم هنگام به‌وجود آمدن نشان خدمتگزاری حضرت محمد(ص) را داشتند: «به هر ذره‌ای که از عدم به‌وجود آوردند، داغی از چاکری محمد بر نهادند. یُریدونَ لَیُطَفِّئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ. همه عالم جمع گشتند و به مُعَادَاتِ

او بیرون آمدند و گفتند: باید که او نباشد و این دین آشکارا نگردد. ربُّ العزّة می‌گفت: *لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ اِنِّي عَبْدُ اللَّهِ، فِيْ اَمَلِكِتَابٍ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ*» (سمعانی، ۱۳۹۱: ۲۴۷).
سمعانی در بخی دیگر از کتاب روح‌الارواح می‌گوید هر دو عالم اعم از فردوس و کروبیان به خاطر وجود پیامبر اسلام(ص) خلق شده است: «ای رضوان فردوس ترا، ای مالک دوزخ ترا، ای کروبیان عرش شما را، ای دل سوخته که بر تو مهر مهر است، تو مرا و من تو را» (همان: ۵۹۸).

سمعانی می‌گوید تمام جمالات و کمالات آفرینش به‌دلیل وجود گرامی پیامبر اسلام(ص) هستی یافته‌اند. خلقت کامل آسمان‌ها و ستارگان برای نگرهبانی از اسرار محمدی آفریده شده‌اند. جایگاه پیامبر(ص) در عالم ملکوت به‌حدی عظیم است که میکائیل سرلشکر و جبرائیل فرمانده سپاه حضرت محمد(ص) است و پیامبرانی همچون حضرت ابراهیم(ع) و حضرت موسی(ع) و حضرت عیسی(ع) تمام فضایل و معجزات خویش را به‌دلیل وجود مبارک پیامبر(ص) دارا بودند و در تورات و انجیل وصف شرافت و فضل و اعزاز ایشان آمده است.

«و این نجوم که بر رقعہ کبود در پیشِ تخت ماه شاه شکل سماتین بر کشیده‌اند برای آن‌اند تا حراستِ اسرارِ حضرت احمد کنند و اگر یکی از ایشان در مهمّهی قَفر گم گردد دلیل او باشد. میکائیل اجرا دهنده لشکر اوست، جبرئیل اسفہسالار صَفدر اوست...» (همان: ۲۴۸).

سمعانی در بخشی دیگر از کتاب به حشمت و لطف پیامبر(ص) در تمام عالم اشاره دارد که تمام مخلوقات جهان و حضرت آدم(ع) و فرزندانِش در سایه حشمت و محبت ایشان به وجود آمدند. برگزیدگی حضرت آدم(ع)، مقام معنوی حضرت ادریس(ع)، شیخ‌الانبیاء بودن حضرت نوح(ع)، مقام خلیل و سلامتی در برابر آتش حضرت ابراهیم(ع) و مقام کلام بی‌واسطه حضرت موسی(ع) با خداوند از ولایت و سیادت پیامبر(ص) و به دلیل وجود گرامی ایشان است.

«آدم که لباس اصطفای یافت از حشمتِ ما یافت ادریس که مکان رفیع یافت از دولت ما یافت، نوح که دعای مستجاب و لقب شیخ‌الانبیا یافت از رتبت ما یافت، خلیل که حله حلت یافت و برد و سلامت یافت از درجه ما یافت، موسی که به‌طور کلام بی‌واسطه شنید و مُقدّمی ششصد هزار اسرائیلی یافت به سیادتِ ما یافت، وَ هَلُمَّ جَرّاً. مصطفی می‌آمد بر عادت اتراک، عرش و کرسی بر فتراک بسته و او به حکم همت از هر دو گسسته» (همان: ۵۴۲).

سمعانی بر این باور است که ولایت پیامبر اکرم (ص)، حقیقت و نور الهی است که سراسر هستی را در بر می‌گیرد. به اعتقاد سمعانی ولایت پیامبر (ص)، در خلقت عالم ریشه دارد، چنانکه نور نخستین آفرینش، از او پدید آمد و همه انبیا از شعاع وجودی او مأمور هدایت شدند: «خداوند - جلّ جلاله - در شب معراج او را در قُبّة قربت قاب قوسین بنشاند و صدهزار نثارِ الطاف بر فرقِ دولتش فشاند و کونین را خاک قدم او گردانید و هیکل علوی را و مرکز سفلی را در تحت رایت ولایت او آورد» (همان: ۶۲).

در بحارالانوار از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که از رسول خدا (ص) پرسیدم: «اول چیزی که خداوند آفرید چه بود؟ فرمود نور پیغمبرت ای جابر! خدا آن را آفرید و سپس هر چیزی را از او خلق کرد. بعداً در پیش روی خود مدتی در مقام «قرب»، نگه داشت، سپس آن را چند قسمت کرد و از یک قسمت «عرش» و از قسمتی دیگر «کرسی» و از قسمتی «حاملان عرش» و «ساکنان کرسی» را آفرید و قسمت چهارم را مدتی در مقام (حب) نگه داشت، سپس آن را چند قسمت کرد. ... عقل را از جزئی و علم و حلم را از جزئی و عصمت و توفیق را از جزئی و قسمت چهارم را در مقام «حیاء» مدتی نگه داشت، سپس با چشم هیبت نظری به آن افکند، آن نور ترشح کرده و یکصد و بیست و چهار هزار قطره از آن افتاد و خدا از هر قطره، روح پیغمبر و رسولی را آفرید، سپس ارواح انبیاء و از نفس‌های آنها ارواح اولیاء و شهداء و صالحان را آفرید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۱۵۶).

سمعانی می‌گوید: خداوند همه شب‌ها و روزها و تمامی افلاک و آسمان و زمین را آفرید و همه جهان را به خاطر وجود مبارک پیامبر اسلام (ص) زیبایی و تکامل بخشید تا در ستایش الهی و لطف خداوند به عالی‌ترین درجات نایل شود: «ما دُرّ روز و شبه شب را که در رشته قدرت کشیدیم و بر گردن فلک بستیم و مهره مهر را بر بساطِ فیروزه‌گون بگردانیدیم ... و لَجّه خضرا و دایره غبرا را از ستر مکنون به صحرای کُن فَبَکون آوردیم، برای تو بود، تا محمد هزار هزار فصل در محامد ربّانی و لطف رحمانی بر غَذه زفان خود که مَوردِ غذب ارواح بود براند. پس به آخر لوح فصاحت موسی وار که وَاَلْقَى الْأُلُوحَ الْوَاحَ بِنِدَاحَتِ و لباس افلاس و عجز در پوشید و خرمن اَنَا أَفْصَحَ الْعَرَبَ را به آتش بی نیازی اَنْتَ كَمَا اِثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِيكَ بسوخت» (سمعانی، ۱۳۹۱: ۴۸).

۲-۲. برتری و ولایت پیامبر اسلام (ص) در چگونگی خلقت

سمعانی در بیان سیادت و ولایت پیامبر اسلام (ص) بر پیامبران پیشین، به خلقت آن حضرت و بیان نور آفرینش و نَسَب ایشان پراخته و به جایگاه نور محمدی و اقسام نور پیامبر (ص) اشاره کرده است. خداوند تمام خلقت را برای پیامبر (ص) آفریده است و با توجه به آیه ۳۵ سوره نور اظهار می‌دارد که خداوند نور آسمان‌ها و زمین است و تمثیل نورش مانند مشکات است؛ بنابراین برخی از مفسران قرآن مانند محمدبن کعب و ضحاک و کعب عقیده دارند که منظور از این اشاره نور، پیامبر (ص) است.

«إِنَّمَا خَلَقْتُ مَا خَلَقْتُ لَكَ. اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهٍ. جماعتی از مفسران چون محمدبن کعب و ضحاک و کعب چنین می‌گویند که این‌ها اشارت به مصطفی علیه‌السلام است که خلقتش نور بود و خلعتش نور بود و نسبتش نور بود و ولادتش نور بود و مشاهدتش نور بود و معاملتش نور بود و معجزتش نور بود و اصحابش نور بود و امتش نور بود وَ هُوَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذَاتِهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ» (سمعانی، ۱۳۹۱: ۵۲۴).

سمعانی می‌گوید: خداوند اولین چیزی که از عدم به عالم وجود آورد و آشکار کرد، ذات تابان و درخشنده پیامبر(ص) بود. خداوند با نظر هیبت و بزرگواری به ایشان توجه کرد. از نوری که نصیب پیامبر اسلام(ص) شده بود، خداوند امر کرد تا آن نور را در گنج قدرت قرار دهند و هزار سال در طهارت قرار گرفت. پس از آنکه سه هزار سال تمام شد، خداوند به جبرائیل امر کرد باریکه‌ای از قبضه نور را به روی زمین بیندازد.

«آنکه آنچه نصیب سیدالمرسلین بود از آن نور مستور در کنوز قدرت بفرمود تا به صحرا آوردند و به امانت به مقربان حضرت دادند تا هزار سال در بحر طهارت سیاحت کرد. آنکه هزار سال در بحر قربت و مشاهدت سیاحت کرد، آنکه آن نور را هفتاد هزار خلعت از خلعت‌های هُدی و تقوی و علم و عصمت و ورع و صیانت در پوشیدند، آنکه سه هزار سال در مقام عبادت بیستاد، چون هفت هزار سال تمام شد حق جلّ جلاله جبرئیل را گفت که قبضه‌ای از روی زمین برگیر چنانکه شنیده‌ای» (همان: ۵۲۵-۵۲۴).

سمعانی در بخشی دیگر، خلقت و تولد آن حضرت را با انبیای دیگر مقایسه کرده و به کیفیت تولد آن حضرت و اتفاقاتی که در عالم عرش افتاد، پرداخته است. وی می‌گوید در هنگام خلقت پیامبر اسلام(ص) فرشتگان به استقبال آن حضرت آمدند و از شر تمامی شیاطین و ناپاکان دور ماند و تمام آسمان و ستارگان و موجودات به حراست و حفاظت از وجود مبارک ایشان پرداختند و به مقام بزرگ و کمال درجات ایشان پی بردند: «آسمان و زمین دیگرگون گشت، پیش از آنکه عَلم رسالت و رایتِ نبوت بر درگاه محمد رسول الله بزدند دیوان در این عالم بلند رفتندی و استراق سمع کردند و اسرار غیب بشنیدندی. راست که بالش سعادت رسالت او در صدر سیادت بنهادند رصدها در آسمان‌ها بر میرصدها نهادند تا شیاطین را به رجم مدحور گردانند و از اطلاع بر اسرار تبشیر و انذار دور کنند تا مصون و محروس بماند» (همان: ۲۴۳).

سمعانی در بخشی دیگر ضمن تشریح اسم «اللطیف» خداوند، به داستان خلقت پیامبر(ص) پرداخته است. وی می‌گوید: حضرت محمد(ص) به شکل انسان عادی از عبدالله بن عبدالمطلب به دنیا آمد، اما خداوند با قدرت لطف و رحمت خود، آن حضرت را به مقام وحی الهی، خُلق عظیم و پیروی نکردن از هوا و هوس و به بالاترین مقام وجودی عالم رساند: «او مردی بود از زیر دامن عبدالله بن عبدالمطلب بیرون آمده و در ارحام و اصلاّب بشر رفته، لیکن از غیب کلمه‌ای درآمد و احوال و اقوالش را مبدّل کرد وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ، وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (همان: ۲۴۴).

سمعانی ضمن اشاره به چگونگی خلقت پیامبر اسلام(ص) روایت می‌کند که ایشان از آنچه در مقام و منزلت و مرتبه خود بود، خبر نداشتند تا اینکه خداوند تمام عالم را آذین بست و به جمال علم و اسرار الهی زینت داد و تخت بزرگی او را در بلندای رسالت نشاند و فرشتگان را به غلامی ایشان گماشت و از تمام انبیاء همان‌طور که بر ربوبیت خود عهد گرفته بود، بر ولایت پیامبر(ص) نیز هم‌عهد کرد. با توجه به این تحلیل می‌توان دریافت که از ازل شعار «محمد رسول الله» همنشین شعار «لا اِلهَ اِلَّا الله» بوده و تمام پیامبران بر این موضوع مهم رسالت داشتند.

«مصطفی علیه السلام را آنچه به نام او در ازل رفته بود خبر نبود همی ناگاه علی‌الفتوح آسمان رسالت را به نجوم علوم و اَقمار اسرار بیاراستند و نهال نبوت در روضه اصطفای و مرغزار اجتبا بنشانند و مسند عزّ او در صدر جلالت رسالت نهادند، صد هزار و بیست و اند هزار نقطه عصمت را چاکرِ وی کردند آنکه زفان او را از افتخار به مهتری ایشان نگاه داشتند و کمر افتخار به چاکری وی بر میان ایشان بستند و چنانکه در ربوبیت خود با بندگان عهد کردند و میثاق بستند در سیادت وی بر انبیا و رسل و متابعت و مشایعت ایشان میثاق بستند» (همان: ۴۸۶).

۳-۲. خاتمیت پیامبر اسلام(ص) و ولایت او بر انبیای پیشین

حضرت محمد(ص) بر تمام پیامبران پیشین ولایت و برتری داشتند و خداوند تعالی و تمام انبیای پیشین این سیادت را تصدیق کرده‌اند. آن حضرت با توجه به اینکه مسئولیتی بسیار بزرگ‌تر از همه انبیاء الهی داشتند و کامل‌کننده دین الهی بودند، به سروری همه انبیاء الهی رسیدند. مقصود و هدف مرتبه اعلاء و آخرین درجه نبوت، پیامبر اسلام (ص) است. همه پیامبران تحت ولایت پیامبر اسلام هستند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «آدم و من دونه تحت لوائی یوم القيامة؛ تمام پیامبران از

حضرت آدم تا آخرین آنها در قیامت زیر پرچم من هستند» (مطهری، ۱۳۹۵: ۳۶).

سمعانی می‌گوید در زمان پیامبر(ص) مرسوم بود برای اهمیت و اعتبار نامه در زیر آن مهر بزنند. پیامبر(ص) هنگام نامه نوشتن برای پادشاه ایران فرمان داد انگشتی با مهر «مُحَمَّدَ رَسُولُ اللَّهِ» بسازند، بنابراین خداوند هم در فرستادن انبیا پس از صد و بیست و چهار هزار پیامبر، هنگامی که به انتها رسید مَهْری نیاز داشت و نام محمد(ص) را مهر منشور رسالت قرار دادند: «سَرِّی دیگر، خاتمش از بهر آن خواندند که ملوک اول که بنگرند به مهر نامه نگرند و آخر که فارغ شوند، از مهر فارغ شوند. اول نظر رحمت که کردیم به تو کردیم و آخر که بفرستادیم ترا فرستادیم تا به هر دو حال انبیا در بند تو باشند و تو دربند کس نه. ای جوانمرد مهتر ما از همه مهتران بزرگوارتر است و ما از همه اُمَم فاضل‌تر، کُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» (سمعانی، ۱۳۹۱: ۲۵۶).

پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: «نَحْنُ الْآخِرُونَ الْأَوَّلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ ما در دنیا پس از همه پیامبران و امت‌ها آمده‌ایم؛ اما در آخرت در صف مقدم هستیم و دیگران پشت سر ما هستند» (مطهری، ۱۳۹۵: ۳۶)؛ این حدیث نشان می‌دهد که حضرت محمد(ص) در روز رستاخیز در صف مقدم همه پیامبران خواهند بود و این خود، نشانه‌ای از ولایت پیامبر اسلام (ص) بر انبیای پیشین است. سمعانی در بخشی از کتاب روح‌الارواح، با

تأکید بر خاتمیت رسالت پیامبر اسلام(ص)، بر این باورند که حضرت محمد(ص) اگر از نظر زمانی متأخر از تمام انبیا هستند، از نظر رتبت و منزلت سرور و مفخر انبیا هستند و بر انبیای پیشین ولایت دارند. بنابراین امت اسلام برترین امت هستند به این دلیل که نبی اسلام، برترین انبیای الهی است: امت محمد به صورت بیگاه برخاستند، اما به معنی پگاه خاستند... بیگاه خیزان بودند در عالم قدرت، اما پگاه خیزان بودند در عالم مشیت. در خدمت مؤخر بودند، اما در خلعت مقدم بودند» (همان: ۲۵۶).

سمعانی معتقد است که خداوند حضرت محمد(ص) را خاتم النبیین معرفی کرده است. پادشاهان هنگام خواندن نامه ابتدا به مهر آن توجه می کنند و هنگامی که نامه ای به پایان می رسد، به وسیله مهر تأیید و تصدیق می شود. بر این اساس معنای خاتم پیامبران بودن، با مبعوث شدن پیامبر اسلام معنا پیدا کرد و نبوت انبیای الهی از آدم تا خاتم(ع) تأیید و تصدیق شد: «رَبُّ الْعِزَّةِ مِیْ گُفْتُ: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ اِنِّي عَبْدُ اللَّهِ، فِي اُمِّ الْكِتَابِ وَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ : وَ اِنْ اَدَمَ لَمُنْجَدِلٌ فِي طِينَتِهِ. آدم هنوز سر از طینه بر نیاورده بود که نام ما در ام کتاب به خاتمی انبیا نبشته بود» (همان: ۲۴۷).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، واجد همه مزایای مشترک، و مزایای فرد فرد انبیا و بعضی از خصایص ویژه است و تا روز قیامت احدی بهتر از پیغمبر اسلام نخواهد آمد؛ زیرا اگر کامل تر از وی یافت می شد، حتماً او به مقام خاتمیت می رسید نه رسول اکرم صلی الله علیه و آله» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۸/۲۴).

سمعانی در استدلالی دیگر، برای اثبات ولایت حضرت محمد(ص) بر انبیای پیشین مقام نبوت حضرت محمد(ص) را نبوت حضرت آدم(ع) مقایسه کرده است و بر این باور است که ابر لطف و رحمت الهی در زمان حضرت آدم(ع) به صورت چند قطره بر طالبان حقیقت می رسید، در حالی که با رسیدن نبوت پیامبر دریای لطف و رحمت الهی رسید و نبوت پیامبر تجلی منتهای رحمت خداوند بر عالیمان است:

«چون نبوت دولت آدم بیامد، ابری از لطف برآمد و قطرات محبت ببارید، سینه هر عزیزی را که می‌آوردند، قطره‌ای چند بر روضه روزگار او می‌بارانیدید، چون نبوت دولت محمد در رسید قطره از میان برداشتند و بحری بی‌کران در آن میان نهادند و انبیا و صدیقان در دریا‌های نبوت و صدق غواصی می‌کردند، کس به گردِ مرکب سیدالمرسلین در نرسید. روز یک مرکبِ او بود و شب یک مرکبِ او، آخر این مرکبان فرو ماندند و خواجه خواجگان درگذشت» (سمعانی، ۱۳۹۱: ۲۴۹).

با توجه به گستردگی بحث و تعدّد مصادیق موجود در کتاب روح‌الارواح، دلایلی را که سمعانی در اثبات ولایت و سیادت پیامبر اسلام(ص) بر انبیای پیشین آورده است، در ادامه بحث به تفکیک ارائه می‌دهیم.

۲-۳-۱. پیامبر اسلام(ص) جامع فضایل تمام انبیا هستند.

تأمل در قرآن کریم و منابع دینی نشان می‌دهد که نبوت و رسالت انبیای الهی، رابطه‌ی اتصالی داشته است و نبوت انبیای الهی از حضرت آدم تا خاتم یک سیر تدریجی و تکاملی داشته است. امام صادق(ع) در تجلیل خداوند از مقام پیامبر(ص) می‌فرماید: «از جمله کامل کردن نعمت‌های خداوند بر پیامبر این بود که او را حبیب خود قرار داد و به زندگی او سوگند یاد کرد و با شریعت او شریعت‌های گذشته را منسوخ کرد و او را به جایگاه اعلیٰ عروج داد و در معراج او را محفوظ داشت تا اینکه چشمش منحرف نشد و به خطا نرفت و سرکشی نکرد و او را به‌سوی عرب و عجم فرستاد و برای او و امت او غنایم جنگی را حلال کرد، او را شفاعت‌کننده‌ای که شفاعتش پذیرفته شود، قرار داد و سید و سرور فرزندان آدم کرد، نام او را با نام خود هم‌ردیف کرد و رضایت او را در رضایت خود قرار داد و او را یکی از دو رکن توحید قرار داد» (الزحیلی، ۱۳۸۸: ۷۰).

سمعانی در روح‌الارواح به اهمیت جایگاه پیامبر(ص) در میان پیامبران اولوالعزم اشاره کرده و اعتقاد دارد که همه کمالات و فضایل ایشان قبل از خلقت عالم، در وجود

پیامبر(ص) جمع آمده است: «آدم می‌گوید: من صفی‌الله‌ام، خلیل می‌گوید: من خلیل‌الله‌ام، موسی می‌گوید: من کلیم‌الله‌ام عیسی می‌گوید: من روح‌الله‌ام، مصطفی می‌گوید:

وَمَا شَرِبَ الْعُشَّاقُ إِلَّا بَقِيَّتِي وَ مَا سَاغَهُمْ مِنْ كَأْسِهِمْ غَيْرِ سُورِيَا

آن روز که وجود شما نبود این خلعت‌ها با ما بود ما همه را داشته‌ایم. پس بر موجب بذله و فضله خود به شما داده‌ایم که ما در قرطه محبت زیباتریم» (سمعی، ۱۳۹۱: ۵۴۳).

همین مفهوم در بخشی دیگر از روح‌الارواح در ضمن روایتی از ابن عباس چنین آمده است که خداوند تمام فضایل انبیای پیشین را در وجود حضرت ختمی مرتبت جمع آورده است:

«ابن عباس رضی‌الله عنه گفت: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَغْطَى مُحَمَّدًا خُلُقَ آدَمَ وَ مَعْرِفَةَ شَيْثٍ وَ شَجَاعَةَ نُوحٍ وَ وِفَاءَ إِبْرَاهِيمَ وَ رِضَاءَ اسْحَاقَ وَ قُوَّةَ يَعْقُوبَ وَ حُسْنَ يُوسُفَ وَ شِدَّةَ مُوسَى وَ صَبْرَ أَيُّوبَ وَ طَاعَةَ يُونسَ وَ صَوْتَ دَاوُدَ وَ فَصَاحَةَ صَالِحٍ وَ زُهْدَ يَحْيَى وَ عِصْمَةَ عِيسَى وَ وَقَارَ أَلْيَاسَ وَ جِهَادَ يُوشَعَ وَ حُبَّ دَانِيَالَ» (همان: ۲۵۵).

۲-۳-۲. ولایت پیامبر اسلام(ص) بر انبیای پیشین از نظر مقام اعجاز

مقام و مرتبه ولایت پیامبر (ص)، از قدرت لایزال الهی سرچشمه گرفته است و ذات ربوبی دارد. پیامبر اسلام نتیجه همه پیامبران و علت آن است که همه پیامبران مقدمه‌اند و پیامبر اسلام (ص) نتیجه همه آنهاست. وحی آنها در حدود یک برنامه موقت بوده و وحی پیامبر اسلام در سطح قانون اساسی کلی و همیشگی است (مطهری، ۱۳۹۵: ۳۶).

سمعی در اثبات ولایت پیامبر اسلام(ص) معجزه آن حضرت را با معجزه‌های

پیامبران پیشین مقایسه کرده و گفته است که برهان و دلیل نبوت تمام انبیاء به‌وسیله چشمان مردم اثبات شد، اما نبوت پیامبر(ص) از راه دل‌ها و به‌وسیله فتح قلوب مردم اثبات شد.

«برهان نبوت انبیا از راه دیده‌ها درآمد، اما برهان رسالت محمدی از راه دل‌ها درآمد. هیچ رسول نبود الا که حق او را معجزه‌ای ظاهر داد چنانکه دیده‌ها بدید، اما معجزه ابراهیم آتش بود و معجزه موسی ید بیضا و معجزه عیسی اِحیاء موتی؛ و این همه ظاهر و آشکارا بود و محل اطلاع دیده‌ها بود، اما معجزه مصطفی بوستان دوستان با صفوت و گلستان شربت محبت بود، بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ. بلی مصطفی را علیه‌السلام معجزات بسیار بود که محل اطلاع دیده‌ها بود. کانشِقَاقِ الْقَمَرِ و تسبیح خَجَر و کلام ذیب و اسلام ضَبّ و غیر آن» (سمعانی، ۱۳۹۱: ۶۱۱).

سمعانی در روح‌الارواح بیان داشته است که کرامات پیامبر اسلام(ص) در قیاس با همه پیامبران عظیم‌تر است؛ همان‌طور که حضرت آدم(ع) که به مقام ستوده رسیده بود، با وسوسه شیطان گمراه شد، اما نور وجودی پیامبر(ص) تواناست که گمراهان را به راه راست بیاورد.

«هر کرامتی که در حق رسولی بفرمودند در حق رسول ما از آن شگرف‌تر بفرمودند و قدمگاه وی از آن درگذرانیدند. آدم عزیز عالم بود و در چهار بالش وجودش بنشانند و در دست مکارم خاتم بود، لیکن آن لعین وی را وسوسه کرد تاش در زَلّت افکند، اما برقِ حشمت رسول ما بر دیو جَسّت، در کارش آورد» (همان: ۲۴۹).

۲-۳-۳. تأیید ولایت پیامبر اسلام(ص) از جانب انبیای الهی

حضرت محمد(ص) بر تمام پیامبران پیشین از نظر جایگاه معنوی، عبادی، مرتبه وجودی و فضایل اخلاقی ولایت و برتری داشتند و این سیادت توسط خداوند تعالی و تمامی پیامبران تصدیق شده است. ایشان با توجه به اینکه مسئولیتی بسیار بزرگ‌تر

از همه انبیاء الهی داشتند و کامل‌کننده دین الهی بر مردم بودند، به سروری همه انبیاء الهی رسیدند. پیامبر اکرم(ص) با نبوت خویش زحمات پیامبران پیشین را به ثمر نشاند. فضیلت دیگر پیامبر(ص) بر سایر انبیاء، اخذ میثاق از تمام پیامبران و فرشتگان برای حضرت محمد(ص) است که در آیه ۸۱ سوره آل عمران ذکر شده است: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» در تفسیر کشف‌الاسرار ذیل همین آیه آمده است: «رب العالمین دو عهد گرفت از خلق خویش و پیمان ستد، یکی آنکه: پیمان ستد از همه خلق بر خدائی و کردگاری خویش چنان‌که گفت: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ» دیگر آنکه: پیمان ستد از فریشتگان و پیامبران بر نبوت محمد و نصرت دادن وی چنان‌که گفت: «وَ إِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ ...» و این غایت تشریف است و کمال تفضیل که نامش با نام خویش بزرگ کرد و قدرش با قدر خود برداشت» (میبی، ۱۳۷۱: ۲/۱۸۷).

سمعانی در کتاب روح‌الارواح به اخذ میثاق و اقرار انبیا و فرشتگان بر ولایت و سیادت حضرت محمد(ص) پرداخته و چنین آورده است: «قَالُوا أَقْرَرْنَا. همه گفتند: بار خدایا به چاکری محمد اقرار دادیم، قَالَ فَاشْهَدُوا. فریشتگان را گواه گرفت وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ، و من که خداوند بر این گفت شما گواهم. در حق خود جز این نگفت وَ أَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ. ایشان را بر خود گواه گرفت و این عین مسامحت بود، چون کار به میثاق محمد رسید استقصاها نمود تا کمال محبت و مودت آشکارا کند» (سمعانی، ۱۳۹۱: ۴۸۷).

سمعانی می‌گوید: همان‌طور که خداوند برای ربوبیت خود از پیامبران میثاق و عهد گرفت، از آنان بر نبوت پیامبر(ص) نیز میثاق و هم‌عهدی گرفت و بدین ترتیب شعار «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» همواره در کنار شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» به‌عنوان ارکان ایمان

معرفی شده است: «آن‌روز که آدم بود نوح نبود و آن روز که نوح بود خلیل نبود فَادَّ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ، چنانکه میثاق ربوبیت خود برگرفتیم میثاق نبوت محمد برگرفتیم. آن‌روز که آدم را و نوح را بیافریدیم با ایشان گفتیم: ما را سرّی است در وجود شما و آن سرّ محمد است» (همان: ۵۴۳).

در شاهد مثالی که در ادامه می‌آید نیز، سمعانی به ولایت و سیادت حضرت محمد(ص) بر تمام پیامبران پرداخته است. وی بر این باور است که تمام انبیای الهی در خدمت رسول الله بودند و حیات نبوی ایشان به‌خاطر بشارت وجود و نبوت حضرت محمد(ص) بوده است. تمام پیامبران مانند برگ‌ها و پیامبر(ص) به‌عنوان گل نبوت بودند: «آدم که همای همایون عالم سعادت بود ...؛ نوح که شیخ الانبیاء و آدم ثانی بود سپاهسالار ملت او بود. ... موسی که همه قِرابِ زمین رسن خیمه قربتِ او بود در شوق امت او بود. عیسی که او را گفتند: وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي اللَّهِ، مبشرِ قدوم قدم او بود. این همه تحقیق و تلفیق به مددِ توفیق گفته شد تا بدانی که همگنان جزو بودند و او کلّ بود. و گذشتگان برگ بودند و او گل بود. ای نقطه نبوت طغرای بر این منشور کش: آدَمُ وَ مَنْ دُونَهُ تَحْتَ لَوَائِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا فَخْرَ» (همان: ۴۱۰).

۲-۳-۴. ولایت پیامبر بر انبیای پیشین از نظر مقام عرشی

پیامبر اکرم(ص) اولین مقرب درگاه الهی در میان افرادی است که جایگاه ویژه‌ای نزد خداوند دارند. «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب، ۵۶) در این آیه، ستایش پیامبر(ص) از جانب خداوند و فرمان دادن خداوند به بندگان که بر ایشان درود و سلام بفرستند، نشان‌دهنده مرتبه وجودی پیامبر(ص) و فضیلت و برتری ایشان بر همه مخلوقات آفرینش است.

سمعانی مقام عرشی و رابطه پیامبر اسلام با حق تعالی را با تمثیلی بیان کرده

است. وی آن حضرت را همانند دستیار مخصوص پادشاه می‌داند که حجابی میان سلطان و ایشان نیست: «غلام خاص را با سلطان هیچ حجاب نیست، اما ندیم و وزیر را صد هزار حجاب است. نه غلام خاص به بدرقه حاجب راه یابد، حاجب و دربان به بدرقه غلام خاص راه یابند، تا گمان نبری که شب معراج مصطفی صلی‌الله علیه و سلم که به آن عالم رسید به بدرقه جبرئیل رسید که جبرئیل و میکائیل که آنجا رسیدند به بدرقه او رسیدند» (سمعانی، ۱۳۹۱: ۲۸۵).

یکی از مصادیق بارز در اثبات ولایت و سیادت پیامبر اسلام(ص) در روح‌الارواح، هم‌آیی مکرر نام خداوند با نام رسول اکرم(ص) است که شواهد قرآنی و احادیث مختلف نیز بر این امر صحه می‌گذارد. سماعی برای اثبات جایگاه رفیع پیامبر اسلام(ص) در جهان هستی و در نزد خداوند می‌گوید: حقیقت عالم در دو کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» خلاصه می‌شود، این امر اهمیت و جایگاه وجودی و مقام عرشی پیامبر اسلام(ص) را به وضوح تبیین می‌کند: «از آنجا که حقیقت است در عالم دو کلمه است: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ. یک کلمه ما را و دیگر کلمه محمد را. إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ. یا محمد تو در حضرت خود ثنای ما می‌گویی که ما در حضرت خود ثنای تو می‌گوییم. یا محمد تو بگویی: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، و ما می‌گوییم: محمد رسول الله. مهتری با این همه منقبت و مرتبت و کمال و جمال با مشتی گدای بینوا می‌گوید: إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ مِثْلُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ. پدر مشفق ما را آن مهتر است» (همان: ۴۷۶).

سماعی در اثبات ولایت پیامبر اسلام(ص) بر دیگر انبیای الهی مقام و مرتبه عرشی انبیا را مقایسه کرده است. وی اعتقاد دارد که حضرت محمد(ص) دلیل خلقت هستی و کونین است و خداوند با نبوت پیامبر اسلام(ص) محبت و رحمت خود را بر عالمیان به اتمام و اکمال رسانده است. سماعی چنین بیان داشته است که پیامبر اسلام(ص) در دوره نبوت هیچ تغییر و تبدیلی در عالم مادی نکردند و هنگام عروج

به عالم بالا کوچک‌ترین چیزی با خود نبردند.

«ای درویش آزاد مرد چون محمد در عالم نبود که خشتی بر خشتی ننهاد و به آن عالم رفت که رشته تایی با خود نبرد، و گر ببردی خطاب آمدی که بینداز. چنانکه موسی را گفتند: اِخْلَعْ نَعْلَيْكَ. و نیز می‌آید که چون عیسی بدان مقام بلند برآوردند، گفتند: بنگرید تا هیچ چیز دنیوی با وی هست؟ بنگرستند، سوزنی داشت فرمان آمد که بدارید و برتر میارید که همتی با سوزنی تعلق دارد به برتری راه نیابد» (همان: ۴۵۲).

سمعانی پیامبر اسلام(ص) را معدن اسرار الهی دانسته است. وی می‌گوید: همان‌طور که پادشاهان هنگامی که تمایل به حمل وسیله مهمی را داشته باشند آن را در جای مطمئن و خدمتکاران بسیار قرار می‌دهند، خداوند نیز اسرار الهیت خود را در وجود نبی اسلام(ص) قرار داده است: «ای جوامرد سلطان که حملی به شهری فرستد و در آن حمل تعبیه‌ای عزیز و ودیعتی بزرگ بود، اگر چه به دست خواص فرستد کم از بدرقه‌ای نبود. از عهد آدم تا منقرض عالم آن اسرار از آسمان به زمین نیامد که در عهد نبوت احمد عربی علیه‌الصلاة والسلام آمد وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَیْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرَّسُلِ. جواهر عزیز بود که از بحار اسرار الهیت در حجر عهد نبوت محمدی می‌ریختند، هر چند حامل الوحی روح‌الامین بود، لیکن راه نا ایمن بود و راهزنان و قاطعان طریق راه نگه می‌داشتند، شحنگی در شرط بود» (همان: ۲۴۴).

سمعانی در مقایسه مقام عرشی پیامبر اسلام(ص) با انبیای دیگر، آن حضرت را با حضرت یوسف و حضرت داود علیهم‌السلام مقایسه کرده است و بعد از مقایسه از نظر جمال و مقام ملکوتی و فرمانروایی عرشی، به این نتیجه رسیده است که در همه حال ولایت و سیادت با پیامبر اسلام(ص) است:

«مصطفی را علیه‌السلام پرسیدند که أَنْتَ أَحْسَنُ أَمْ یُوسُفُ؟ قَالَ هُوَ أَصْبَحُ وَأَنَا أُمْلَحُ اگر آن صباحت سبب بریدن دست‌ها گشت این ملاحه سبب بریدن زناها گشت. ای

داود تو پایگاهی عظیم داری و درجه بلند داری، ترا برکشیدیم و گفتیم: یا داوُد إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ. تو خلیفه مایی و ای محمد یکی ما را از پایگاه و منزلت خود خبر ده. صحابه گفتند: أَلَا تَسْتَخْلِفُ عَلَيْنَا گفت: اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ» (همان: ۲۵۱).

سمعانی در بخشی دیگر جایگاه پیامبر(ص) و محبان ایشان را در مقایسه با جایگاه حضرت ابراهیم(ع) روایت کرده و چنین آورده است که پیروی از پیامبر(ص) جایگاه بسیار بالایی دارد و سبب دوستی با حق تعالی می‌شود: «بَنَگَرُ که متابعت مصطفی چه درجه دارد که ثمره دوستی او دوستی حق است. خلیل با بزرگی خود می‌گوید: فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي. هر که بر من پی من رود، او از من است. باز خداوند جلّ جلاله مصطفی را می‌گوید: هر که بر پی محمد رود، دوست من است. آنکه بر پی خلیل رفت دوست خلیل آمد و آنکه بر پی حبیب رفت دوست خداوند جلیل آمد... یا محمد قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ. خاک قدم پاک تو کیمیای محبت ماست» (همان: ۲۵۴).

۲-۳-۵. ولایت پیامبر اسلام(ص) بر انبیای پیشین از نظر مقام مشاهده

سمعانی بر این باور است که از نظر مقام مشاهده پیامبر اسلام(ص) برتر از انبیای دیگر است. وی می‌گوید جبرائیل بر مرتبه والای پیامبر اسلام(ص) آگاه بود و هیچ‌کدام از انبیای الهی نمی‌تواند به گرد مقام ایشان برسد.

«آورده‌اند که مصطفی جبرئیل را گفت: تُفَارِقُنِي فِي هَذَا الْمَوْضِعِ. و باز خلیل را چون در منجیق نهادند و جبرئیل به استقبال او آمد و گفت: هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ إِلَيَّ؟ هیچ حاجتی داری؟ به وی التفات نکرد. آن استغنا چه بود و این افتقار چه؟ اولاً تو به این سرّ نگر که جبرئیل را یارای آن بود که گرد مقام خلیل گردد، اما یارای آن نبود که گرد مقام حبیب گردد که لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ. و از اینجا گفت جبرئیل: لَوْ دَنَوْتُ أَنْمَلُهُ لَا حَرَقْتُ» (همان: ۲۱۵)

سمعانی در بخشی دیگر از روح‌الارواح جایگاه پیامبر(ص) و حضرت موسی(ع) را از نظر مقام مشاهده قیاس کرده است. موسی(ع) هنگام مشاهده حق تعالی با نور هیبت الهی سرشار شد، اما پیامبر(ص) قدم را فراتر از جایگاه ایشان قرار داد و با نور انس الهی ممزوج شد. همچنین در مقام مشاهده خداوند برای حضرت موسی جواب منفی و حجاب آمد، اما دربارهٔ پیامبر اسلام(ص) حجاب‌ها برداشته شد و ایشان به جایگاه قرب رسیدند.

«مقام امت موسی با موسی همچنان بود که مقام او در حضرت؛ صورتش را داغ حجاب برنهادند حکمت غیبی را، و گفتند: لَنْ تَرَانِي. آنجا نصیب او حجاب آمد، اینجا نصیب امتش حجاب آمد و باز مصطفی چون به حضرت قُرب رسید حجاب‌ها برداشتند، او نیز چون باز آمد حجاب‌ها برداشت» (همان: ۲۱۶-۲۱۵).

۳. نتیجه‌گیری

در کتاب روح‌الارواح فی شرح اسماء الملک‌الفتاح اثر شهاب‌الدین احمد سمعانی، علاوه بر اینکه محتوای کتاب در شرح و توضیح اسماء‌الحسنی خداوند است، نبوت، ولایت و سیادت پیامبر اسلام(ص) بر انبیای پیشین با استناد به آیات و روایات به زیبایی بیان شده است. هم‌آیی نام خداوند با نام پیامبر اسلام (ص) در این اثر شاهی بر مقام و مرتبه خاص آن حضرت در نظام هستی است. بسامد بالای یادکرد نویسنده از نبی مکرم اسلام علاوه بر ارادت خاص نویسنده، بیانگر سیادت و جایگاه خاص آن حضرت در میان انبیای الهی است. سمعانی با استناد به بشارت انبیای پیشین و قرآن کریم، حضرت محمد(ص) را آخرین حلقهٔ زنجیرهٔ رسالت و سلسله همه پیامبران معرفی کرده است. وی در بخش‌های متعددی از کتاب خود با استناد به آیات و احادیث اهمیت نبوت و رسالت پیامبر را یادآور شده و بر این باور است که حضرت محمد(ص) بر کل عالم خلقت برتری و سروری و ولایت دارند و از نظر چگونگی خلقت، مقام و

مرتبه وجودی، از نظر مقام عرشی و مقام مشاهده و کشف و شهود، بر تمام انبیای پیشین ولایت و سیادت دارند. سمعانی معتقد است که پیامبر اسلام(ص) جامع تمام فضایل انبیای پیشین و کامل‌کننده رسالت آنهاست و از نظر مقام اعجاز و ابتلا و شفاعت بر تمام انبیا سروری و ولایت دارند. سمعانی برای اثبات ولایت و سیادت پیامبر اسلام(ص)، هرکدام از موارد یاد شده را در میان انبیای الهی مقایسه کرده و با دلائل و احتجاجات نقلی و عقلی و گاه با زبان تمثیل آن مصادیق را به زیبایی و با حلاوت خاصی تحلیل و تبیین نموده است. مطالعه در شواهد متنی در کتاب روح‌الارواح نشان می‌دهد که ولایت پیامبر اسلام (ص) حقیقتی فراتر از مقام نبوت ظاهری آن حضرت است. آن حضرت نه تنها آخرین فرستاده خدا، بلکه حلقه نهایی زنجیره نبوت و کامل‌کننده دین الهی است و در قیامت نیز همه پیامبران در زیر پرچم ولایت او خواهند بود.

کتاب‌شناسی

الف: کتاب‌ها

- (۱) قرآن کریم (۱۳۸۹)، ترجمه حسین انصاریان، قم: آیین دانش.
- (۲) الزحیلی، وهبة. (۱۳۸۸)، *سیمای پیامبر اسلام بر اساس منابع اهل سنت*، ترجمه خالد ایوبی‌نیا، ارومیه: حسینی اصل.
- (۳) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، جلد هشتم، قم: اسراء.
- (۴) سجادی، ضیاء‌الدین (۱۳۸۳)، *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران: طهوری.
- (۵) سمعانی، احمد بن منصور (۱۳۹۱)، *روح‌الارواح فی شرح اسماء الملك‌الفتاح*، به تصحیح نجیب مایل هروی، چ ۴، تهران: علمی و فرهنگی.
- (۶) طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد ۱، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۷) قیصری، محمد داود (۱۳۷۵)، *شرح فصوص‌الحکم*، تحقیق و تعلیق: سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- (۸) مستملی بخاری، ابوابراهیم اسماعیل بن محمد بن عبدالله (۱۳۶۳)، *شرح التعرف لمذهب‌التصوف*، جلد اول، تهران: اساطیر.
- (۹) مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، *ختم نبوت*، چاپ بیست و هفتم، تهران: صدرا.
- (۱۰) میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۷۱)، *کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار*، به اهتمام علی اصغر حکمت، چ ۵. تهران: امیرکبیر.

۱۱) میرجهانی، سیدحسن. (۱۳۹۲)، *الجنة العاصمة*، مشهد: نسیم کوثر.

۱۲) نسفی، عزیزالدین (۱۳۹۱)، *کشف الحقایق*، تهران: سخن.

ب: مقاله‌ها

۱) مدرسی، فاطمه، مام علیپور، منصور (۱۴۰۲)، «نقد صوفی (آسیب شناسی

تصوف اسلامی)»، فصلنامه بین المللی علمی تخصصی مطالعات زبان

فارسی (شفای دل سابق)، دوره ۱۶، شماره ۱۴، صص ۱۵۰-۱۷۲.